

تحلیل ارتباط بین سطوح مختلف اعتماد با مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیای مراتع (مورد مطالعه: مرتع‌داران چقاقدو در استان کرمانشاه)

روناک احمدی^{۱*}، قدرت‌اله حیدری^۲ و غلامرضا خوش‌فر^۳

۱- نویسنده مسئول، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران

پست الکترونیک: ronakahmadi1990@yahoo.com

۲- دانشیار، گروه مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران

۳- استادیار، گروه علوم اجتماعی و سیاسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۲۷

چکیده

با توجه به اهمیت مراتع در حفظ اکوسیستم طبیعی، بررسی عوامل مؤثر در اصلاح و احیای مراتع در راستای اهداف توسعه پایدار بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در این راستا راهکارهای مختلفی برای توسعه پایدار منابع طبیعی به‌ویژه مراتع مطرح شده است که در این میان مشارکت مردم بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفت. در این تحقیق رابطه بین سطوح مختلف اعتماد شامل اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته را با مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیای مراتع مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم. ابزار تحقیق پرسشنامه است. جامعه آماری شامل کلیه مرتع‌داران چقاقدو در شهرستان سرپل ذهاب است که تعداد آنها ۷۸ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۷ نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS²⁰ استفاده شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که بین سطوح مختلف اعتماد با میزان مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیای مراتع همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد و میزان همبستگی بین اعتماد تعمیم یافته با مشارکت مرتع‌داران از قوت بالاتری برخوردار است. همچنین در این تحقیق ۳۴ شاخص مربوط به سطوح مختلف اعتماد به روش تحلیل عاملی به ۱۲ عامل تقلیل یافت و در مجموع ۷۱/۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت در اصلاح و احیای مراتع) را تبیین می‌کنند. اولین و تأثیرگذارترین عامل در این روش را می‌توان تا حدودی اعتماد تعمیم یافته نامید. بنابراین با توجه به تأثیر سطوح مختلف اعتماد در مشارکت مرتع‌داران می‌توان بیان کرد که افزایش اعتماد تعمیم یافته، که از ابعاد سرمایه اجتماعی برون گروهی است، کارایی و بازدهی فرایند مشارکت مرتع‌داران را در اصلاح و احیای مراتع بیش از سایر سطوح اعتماد بدنیاال خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادین، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی.

مقدمه

(*et al.*, 2008). منابع طبیعی تجدیدشونده زیرساخت توسعه

هر کشوری تلقی می‌شوند و مادامی که بهره‌برداری از این منابع به صورت اصولی، علمی و پایدار انجام نشود، پایه‌های توسعه در گذر زمان پایدار نخواهد ماند و فرایند مذکور

از چندین دهه گذشته، مطالعه ابعاد اجتماعی و انسانی در مدیریت منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها و مراتع، همواره با رشد و توسعه همراه بوده است (Hubacek *et al.*, 2006) و Prell

برای انجام اقدامات جمعی در بین بهره‌برداران به وجود می‌آید (Hahn et al., 2006 و Rijke et al., 2012). باید توجه داشت که اعتماد در روابط بین افراد در طول زمان شکل گرفته و به راحتی نیز می‌تواند از بین برود و اعمال برنامه‌ها و فرایند مدیریت مشارکتی با از بین رفتن اعتماد در بین بهره‌برداران مختلف منابع طبیعی با مشکلاتی روبرو شده و می‌توان گفت اعمال مدیریت مشارکتی موفق در این وضعیت امری ناممکن خواهد بود و قادر است سیستم مدیریتی را به سمت ایجاد مدیریت مشارکتی موفق سوق دهد. همانطور که در بالا اشاره شد اعتماد در بین بهره‌برداران مشارکت را تسهیل نموده، در نتیجه مدیریت مشارکتی منابع طبیعی نیز بدنبال اعتمادسازی در بین بهره‌برداران و نهادهای مرتبط با مدیریت مراتع می‌تواند در عمل به واقعیت بینجامد (Bodin et al., 2006 و Carlsson & Berkes, 2005؛ Folke et al., 2005؛ Olsson et al., 2004).

در مطالعه‌ای، Ali pour و همکاران (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم‌یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و از میان متغیرهای مورد بررسی اعتماد تعمیم‌یافته و پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بهترین پیش‌بینی کننده‌ها برای مشارکت اجتماعی‌اند. همچنین Ghorbani و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان دادند که همبستگی ۷۰ درصدی بین دو شبکه اعتماد و مشارکت بین نهادها و بهره‌برداران مرتع وجود دارد. در بررسی دیگر، Farzane و Ramezani (۲۰۱۲) بیان نمودند که دو متغیر انسجام و اعتماد عمومی (تعمیم یافته) بالاترین تأثیر را در تبیین توسعه شهری دارند. در تحقیقی دیگر Navabakhsh و همکاران (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که هرچه اعتماد شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر است و اعتماد عمومی و بین فردی در میان شهروندان از میزان خوبی برخوردار است اما اعتماد نهادی نسبت ضعیفی دارد. همچنین Ghorbani و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود بیان نمودند که با تقویت اعتماد و همکاری بین بهره‌برداران توانمندسازی اجتماعی ارتقاء خواهد یافت. Levien (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی به این

بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (Badri Pour, 2012). از این رو برای مقابله با تخریب منابع طبیعی و رفع نگرانی‌ها در مورد مدیریت منابع طبیعی، مشارکت و همکاری میان بهره‌برداران یکی از نیازهای اساسی است (Scholz, 2011). تأثیر اعتماد و سطوح مختلف آن به عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی در جهت‌دهی به واقعیت‌های اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. به طوری که سطوح مختلف اعتماد در ذیل مفهوم کلی‌تر سرمایه اجتماعی، تعیین کننده بسیار مهمی در تغییرات مشارکت مردم هر جامعه‌ای بشمار می‌رود (Khoshfar, 2008).

اعتماد به منزله نقطه آغاز مشارکت و تسهیل‌کننده فرایند مشارکت مطرح می‌شود. بالا بودن میزان اعتماد افراد به یکدیگر منجر به افزایش مشارکت و همکاری آنان می‌شود (Ali pour, 2009). اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به غریبه‌ها و کسانی است که آنها را نمی‌شناسیم و مهمترین متغیر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است؛ در طول زمان و بتدریج از طریق تعامل افراد با یکدیگر به وجود می‌آید، پس از بوجود آمدن به خیر عامه تبدیل می‌شود، سطوح بالاتری از پذیرش کارهای داوطلبانه را ترویج می‌کند، هزینه مبادلات را کاهش می‌دهد و بدین طریق همکاری را روان می‌سازد (Alvani, 2001). اعتماد نهادی، حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌هاست (Zetomka, 2012).

اعتماد تسهیل کننده فضای رفتار جمعی، ایجادکننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علایق جمعی است (Zanini & Migueles, 2013). اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر بر مشارکت است، زیرا به دلیل اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است (Ingelhart, 2004). اعتمادی که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود باعث افزایش مشارکت اجتماعی است (Putnam, 1995). Lynam و Smith (۲۰۰۴)، مسائل انسانی را مهمتر از مسائل بوم‌شناسی در بهره‌برداری و مدیریت مرتع برمی‌شمارند. به طوری که هرچه روابط بین بهره‌برداران بیشتر باشد سطح اعتماد در بین آنها نیز افزایش یافته و فرصت‌های بیشتری

نیز در نظر گرفته شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از نظرات متخصصان امر استفاده شد و پس از اصلاحات لازم، پرسشنامه مذکور در سطح محدود سنجش شده و پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ تعیین گردید. آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق از ۰/۷۶-۰/۷۱ محاسبه گردید. جامعه آماری شامل کلیه مرتع‌داران چقاکدو (۷۸ نفر) است. برای انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول Cochran (۱۹۷۷) و پس از تطبیق با جدول Morgan و Krejcie (۱۹۷۰) ۶۷ نفر تعیین شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS²⁰ و برای توصیف داده‌ها از میانگین و فراوانی مطلق و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی اسپیرمن و تحلیل عاملی استفاده شده است.

نتایج

ویژگی‌های فردی پاسخگویان: یافته‌های توصیفی حاصل از تحقیق نشان داد که ۶۴ درصد از مرتع‌داران در سن بالاتر از ۶۰ سال قرار داشتند. به طوری که دامنه سنی آنها از ۳۶ تا ۸۱ سال و میانگین سن ۶۷ سال بود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۷۶ درصد از مرتع‌داران بی‌سواد یا دارای سواد در سطح ابتدایی بودند. میانگین سال‌های تجربه و سابقه بهره‌برداری افراد ۴۸/۶۱ سال با دامنه ۲۱ تا ۶۹ سال بود. میانگین تعداد دام مرتع‌داران ۸۰/۴۴ رأس در دامنه ۳۰ تا ۲۳۵ رأس بود. ۳۴/۳ درصد از مرتع‌داران دارای شغل اصلی دامداری و ۶۵/۷ درصد از آنها نیز دارای شغل اصلی دامداری و کشاورزی بودند. ۸۰/۶ درصد از آنها فاقد شغل فرعی و بقیه مرتع‌داران دارای شغل فرعی مثل مسافربری، مغازه‌دار، چوپان و ... بودند. میانگین میزان درآمد سالانه بهره‌برداران ۲۴/۰۶ میلیون تومان بود؛ به طوری که کمترین آن ۹/۵ و بیشترین درآمد آنها به ۵۰ میلیون تومان در سال می‌رسید.

رابطه بین سطوح مختلف اعتماد (مؤلفه‌های مختلف اعتماد) با میزان مشارکت مرتع‌داران: نتایج آزمون

نتیجه رسید که اگر نتوان رابطه‌ای بین کشاورزان برقرار کرد و اعتماد آنها را به همدیگر و با سازمان‌ها تقویت کرد، کاهش مشارکت کشاورزان در فعالیت‌های کشاورزی را به دنبال خواهد داشت.

با توجه به آنچه که گفته شد، این تحقیق به تحلیل ارتباط بین سطوح مختلف اعتماد (اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته) با مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیای مرتع چقاکدو می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

مشخصات منطقه انجام تحقیق: برای اجرای این پژوهش، سامان عرفی مرتع چقاکدو واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان سرپل ذهاب در استان کرمانشاه انتخاب شد. مساحت منطقه حدود ۵۰۰۰ هکتار، ارتفاع متوسط ۵۰۰ متر از سطح دریا و شیب ۱۷ درصد بود. این مرتع بین طول جغرافیایی $34^{\circ}13'$ تا $28^{\circ}24'$ و عرض جغرافیایی $34^{\circ}13'$ تا $48^{\circ}34'$ واقع شده است. بر اساس تقسیم‌بندی آب و هوایی آمبرژه، منطقه در اقلیم نیمه‌خشک گرم واقع شده است. فصل بهره‌برداری از این مرتع زمستان و مدت زمان بهره‌برداری از مرتع ۱۲۰ روز در سال، از ۱۵ آذر تا ۱۵ فروردین و مراتع قشلاقی است (Choghakadoo Range Management Plan, 2011).

روش‌های شناسایی و تجزیه داده‌ها: این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است که به روش علمی-ارتباطی انجام شد. متغیر وابسته، میزان مشارکت مرتع‌داران در امر اصلاح و احیای مرتع چقاکدو در استان کرمانشاه و متغیرهای مستقل، شامل مؤلفه‌های سطوح مختلف اعتماد (اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته) است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود که بخش سؤالات مربوط به مؤلفه‌ها و شاخص‌های سطوح مختلف اعتماد به صورت بسته و از طریق طیف لیکرت طراحی گردید (Sarukhi, 2006 و Sabatini, 2009) و سؤالات شخصی (سن، تحصیلات، تعداد دام، درآمد و شغل اصلی)

با مشارکت مرتع‌داران و اعتماد نهادی دارای کمترین همبستگی با مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیای مراتع است (جدول ۱).

همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین سطوح مختلف اعتماد با میزان مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیای مراتع رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. از میان سطوح مختلف اعتماد، اعتماد تعمیم‌یافته دارای بیشترین همبستگی

جدول ۱- همبستگی بین سطوح مختلف اعتماد با میزان مشارکت مرتع‌داران

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطوح مختلف اعتماد
۰/۰۰۰	۰/۷۴۱**	اعتماد بنیادین
۰/۰۰۰	۰/۷۶۸**	اعتماد بین شخصی
۰/۰۰۰	۰/۷۳۵**	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۰/۷۷۱**	اعتماد تعمیم یافته

** معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد

تعداد عامل‌ها، عامل‌هایی که مقدار ویژه آنها بزرگتر از ۱ باشد، انتخاب می‌شوند. مقدار ویژه برای هر عامل نشان‌دهنده سهم آن عامل از کل واریانس متغیرها می‌باشد و هرچه مقدار ویژه بزرگتر باشد، بیانگر اهمیت و تأثیر بیشتر آن عامل است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، این ۳۴ شاخص در ۱۲ عامل بارگذاری شد و مشخص شد که این ۱۲ عامل ۷۱/۳۶ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در اصلاح و احیای مراتع را تبیین می‌کنند (جدول ۲).

سپس برای شناسایی متغیرهای مربوط به هر عامل و نیز به منظور تفسیرپذیرتر نمودن عوامل، چرخش عاملی انجام شد. به منظور جداسازی شفاف‌تر و واضح‌تر عامل‌ها از چرخش عاملی به شیوه وریماکس استفاده شد. در ماتریس به دست آمده هر متغیری که بار بیشتری بر یک عامل داشته باشد به آن عامل تعلق می‌گیرد و متغیرهایی که بار عاملی بیشتر از ۰/۵ داشته‌اند، سطح معنی‌داری بسیار قابل قبولی با عامل مربوطه دارند. بر اساس نتایج تحقیق جدول زیر حاصل شده است (جدول ۴). مقدار ویژه عامل اول ۴/۰۴ است و به تنهایی قادر است ۱۱/۸۹ درصد واریانس را

تحلیل عاملی به منظور دسته‌بندی عوامل و میزان تأثیر آنها بر مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیای مراتع: در ابتدا به منظور اطمینان از انسجام درونی متغیرها و مناسب بودن آنها برای آزمون تحلیل عاملی، از آزمون KMO و بارتلت استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آماره KMO، ۰/۶۵۹ بوده و آماره بارتلت نیز ۸۸/۴۱ با سطح معنی‌داری صفر است، بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسبند. برای انجام تحلیل عاملی مدل‌های مختلفی وجود دارد، با توجه به اینکه در این تحقیق هدف از تحلیل عاملی، تلخیص متغیرها و دستیابی به تعداد محدودی عامل برای اهداف پیش‌بینی می‌باشد، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود. برای تعیین تعداد عامل‌ها، به دلیل اینکه تعداد متغیرها بین ۲۰ تا ۵۰ (۳۴ شاخص مربوط به چهار مؤلفه اعتماد) می‌باشد، معیار مقدار ویژه قابل اعتماد به نظر می‌رسد. اگر تعداد متغیرها کمتر از ۲۰ باشد، ممکن است به دلیل کوچک بودن مقدار ویژه حتی یک عامل هم استخراج نشود و اگر تعداد متغیرها بالای ۵۰ باشد، در این صورت عوامل زیادی استخراج می‌شود که غیرمعمول است. بنابراین برای تعیین

مؤثرترین عامل در مشارکت مرتع‌داران در اصلاح و احیاء مراتع منطقه مورد مطالعه می‌باشد. در عامل سوم مقدار ویژه ۲/۲۲ می‌باشد و ۷/۲۰ درصد واریانس را محاسبه و تفسیر می‌کند. در این عامل چهار شاخص بارگذاری شده که سه تا از نوع اعتماد بنیادین و یک شاخص مربوط به اعتماد تعمیم‌یافته است. بدین ترتیب این عامل را می‌توان تا حدودی اعتماد بنیادین دانست. در عامل چهارم مقدار ویژه ۱/۹۱ است و ۵/۶۲ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند و توضیح می‌دهد. سه شاخص در عامل چهارم بارگذاری شده است که همگی مربوط به اعتماد نهادی است. با توجه به شاخص‌های بارگذاری شده در این عامل می‌توان این عامل را اعتماد نهادی نام‌گذاری کرد. از آنجا که توزیع شاخص‌ها در عوامل بعدی تقریباً یکنواخت بوده و نامگذاری عامل‌ها ممکن است با خطا و اشتباه همراه باشد، بنابراین از نامگذاری آنها در این تحقیق صرف‌نظر شده است (جدول ۳).

محاسبه و توضیح دهد. در این عامل، ۸ شاخص بارگذاری شده است که بیشترین تأثیر را در بین عوامل دوازده‌گانه دارند. در بین این ۸ شاخص، یک شاخص به اعتماد بنیادین، دو شاخص به اعتماد بین شخصی، چهار شاخص به اعتماد تعمیم‌یافته و یک شاخص به اعتماد نهادی مربوط می‌شود. از آنجا که بیشترین تعداد شاخص‌ها در این عامل مربوط به اعتماد تعمیم‌یافته است، بنابراین می‌توان عامل اول و تأثیرگذارترین عامل را تا حدودی اعتماد تعمیم‌یافته نامید. مقدار ویژه عامل دوم ۲/۵۹ است و ۷/۶۴ درصد از واریانس را توضیح می‌دهد. در این عامل، ۴ شاخص بارگذاری شده است که یک شاخص مربوط به اعتماد بنیادین و سه شاخص مربوط به اعتماد بین شخصی است. از این رو بر اساس شاخص‌های بارگذاری شده در عامل دوم می‌توان این عامل را تا حدودی اعتماد بین شخصی نامید. بنابراین بعد از اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین شخصی

جدول ۲- عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۴/۰۴	۱۱/۸۹	۱۱/۸۹
عامل دوم	۲/۵۹	۷/۶۴	۱۹/۵۳
عامل سوم	۲/۴۴	۷/۲۰	۲۶/۷۴
عامل چهارم	۱/۹۱	۵/۶۲	۳۲/۳۶
عامل پنجم	۱/۸۲	۵/۳۶	۳۷/۷۲
عامل ششم	۱/۸۲	۵/۳۶	۴۳/۰۸
عامل هفتم	۱/۷۸	۵/۲۵	۴۸/۳۴
عامل هشتم	۱/۶۶	۴/۹۰	۵۳/۲۴
عامل نهم	۱/۵۹	۴/۶۹	۵۷/۹۴
عامل دهم	۱/۵۸	۴/۶۷	۶۲/۶۱
عامل یازدهم	۱/۵۶	۴/۶۰	۶۷/۲۱
عامل دوازدهم	۱/۴۰	۴/۱۴	۷۱/۳۶

جدول ۳- مشخصات عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی

عامل‌ها	نام متغیرهای بارگذاری شده در عامل‌ها	سطح اعتماد	بار عاملی هر متغیر
عامل اول	رقابت مرتعدار در انجام برنامه‌ها	بنیادین	۰/۶۰۸
	اعتماد به فامیل و خویشاوندان	بین شخصی	۰/۴۵۹
	اعتماد به دوستان	بین شخصی	۰/۶۳۰
	قابل اعتماد بودن مردم روستا	تعمیم یافته	۰/۶۹۱
	اعتماد مرتعداران نسبت به هم	تعمیم یافته	۰/۵۱۳
	اعتماد به مردم روستا	تعمیم یافته	۰/۵۹۳
	رضایت از محل زندگی خود	تعمیم یافته	۰/۶۷۸
عامل دوم	اعتماد به رسانه‌های اجتماعی	نهادی	۰/۵۷۵
	احساس امنیت	بنیادین	۰/۷۰۲
	اعتماد به میزان صداقت مردم	بین فردی	۰/۶۶۳
	اعتماد به افراد با تجربه و خبره	بین شخصی	۰/۵۸۸
عامل سوم	اعتماد به اهالی محل	بین شخصی	۰/۶۷۶
	احساس مالکیت	بنیادین	۰/۵۳۹
	حمایت از بهره‌بردار در برخورد با متخلفان	بنیادین	۰/۵۶۱
	میزان سرمایه‌گذاری بدون نگرانی	بنیادین	۰/۷۰۵
عامل چهارم	اعتماد به شورای روستا	تعمیم یافته	۰/۷۰۴
	اعتماد به دولت در تأمین نهاده‌های برنامه‌ها	نهادی	۰/۳۶۶
	اعتماد به دریافت تسهیلات برای پروژه‌ها	نهادی	۰/۵۰۶
عامل پنجم	اعتماد به پلیس و نیروی انتظامی	نهادی	۰/۸۳۷
	اعتماد به معتمدان و رهبران محلی	بین شخصی	۰/۷۹۴
عامل ششم	به شورای اسلامی	نهادی	۰/۷۹۷
	اعتماد به کارشناسان و نخبگان محلی	بین شخصی	۰/۳۸۸
	اعتماد به مروجان و ناظران پروژه‌ها	نهادی	۰/۵۲۰
عامل هفتم	اعتماد به صدا و سیما	نهادی	۰/۴۷۵
	اعتماد به اعضای خانواده	بین شخصی	۰/۴۵۳
عامل هشتم	اعتماد به دستگاه‌های دولتی یا اداری	نهادی	۰/۸۰۳
	اعتماد به معلمان و استادان دانشگاه‌ها	نهادی	۰/۶۴۴

عاملها	نام متغیرهای بارگذاری شده در عاملها	سطح اعتماد	بار عاملی هر متغیر
عامل نهم	اعتماد به نهاد دهیاری	تعمیم یافته	۰/۵۵۳
	اعتماد به روحانیون	نهادی	۰/۷۹۹
عامل دهم	اعتماد به نمایندگان مجلس	نهادی	۰/۷۶۹
	اعتماد به مدیران سازمان‌های دولتی	نهادی	۰/۵۸۶
عامل یازدهم	اعتماد به همسایگان	بین شخصی	۰/۸۸۱
عامل دوازدهم	حل مشکل از طرف دولت	بنیادین	۰/۸۳۶

بحث

امروزه بدون مشارکت پایدار مرتع‌داران نیل به اهداف توسعه (حفاظت، اصلاح و احیای مراتع) امکان‌پذیر نیست و برای دستیابی به آن و ایجاد فضای مشارکت در بین مرتع‌داران، تأمین سازوکارهای اساسی از جمله اعتمادسازی در فضای تعاملات میان مرتع‌داران و بدنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین آنها امری ضروری است و در پی آن مدیریت منابع با آسیب‌پذیری کمتری روبرو خواهد شد. در این تحقیق، همبستگی (اسپیرمن) بالای میان اعتماد و مشارکت و وابسته بودن تغییرات مشارکت به اعتماد بین مرتع‌داران نشان‌دهنده ارتباط نزدیک بین این دو مؤلفه است و محققان این مطلب را در تحقیقات خود مورد تأیید قرار داده‌اند (Bodin et al., 2006 و Scholz, 2011). همچنین نتایج تحقیق با نظرات Putnam (۱۹۹۵) که بیان کرد اعتماد مشارکت را تسهیل می‌کند و هرچه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال مشارکت هم بیشتر خواهد شد و Ingelhart (۲۰۰۴) که عقیده دارد اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر بر مشارکت و همکاری است، همسویی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد با اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی خواهد شد و حدود فعالیت و تصمیم‌گیری تقویت می‌شود. نتایج این تحقیق این مطلب را به صورت کمی تأیید می‌نماید، از این رو وجود اعتماد مؤلفه اصلی تمامی روابط اجتماعی پایدار و مؤلفه کلیدی در شروع فعالیت‌های مشارکتی است و باید در برنامه‌های اداره مرتع مورد تأکید قرار گیرد؛ زیرا با

افزایش اعتماد توانمندسازی اجتماعی افزایش یافته و کاهش اعتماد منجر به کاهش مشارکت خواهد شد. نتایج برخی مطالعات (Levien, 2015 و Zanini & Migueles, 2013 ؛ Bodin et al., 2012 ؛ Rijke et al., 2011 ؛ Scholz, 2011 ؛ Folke et al., 2005 ؛ Carlsson & Berkes, 2005 ؛ 2006 ؛ Olsson et al., 2004 ؛ Kendrick, 2003 ؛ Ghorbani et al., 2001 ؛ Ghaffar & Azkia, 2001 ؛ Khoshfar, 2008 ؛ al., 2015) مؤید نتایج این تحقیق است.

در میان سطوح مختلف اعتماد میزان همبستگی اعتماد تعمیم‌یافته و بین شخصی با مشارکت از میزان بالاتری برخوردار است، این نتیجه می‌تواند به دلیل وجود صداقت، همدلی، الگوی بومی روستا، نهادینه شدن عرف‌ها و سنت‌ها و ... در بین بهره‌برداران باشد. بنابراین به نظر می‌رسد افرادی که دارای اعتماد تعمیم‌یافته بالاتری هستند معمولاً تغییرپذیری و خطرپذیری بالایی دارند و همین موجب می‌شود که بتوانند در فعالیت‌های جمعی وارد شده و مشارکت خوبی داشته باشند. بنابراین ایجاد مشارکت در بین مرتع‌داران از طریق اعتماد تعمیم‌یافته و سازمان‌های غیردولتی مؤثرترین رهیافت و بهترین پیش‌بینی‌کننده برای مشارکت اجتماعی است و با نتایج برخی محققان (Navabakhsh et al., 2014 و Farzane & Ramezani, 2012؛ Ali pour et al., 2009؛ Alvani, 2001) مطابقت دارد. از آنجا که شوراها و دهیاری‌ها می‌توانند رابط خوبی بین مرتع‌داران و کارشناسان باشند؛ از این رو برای همکاری

و نیاز است که مسئولان بخشی از تصمیمات دولتی را بر عهده خود مرتعداران بگذارند تا توانایی‌های خودجوش خود را برای کار کردن با یکدیگر از دست ندهند و در ایجاد جو اعتماد عموم نسبت به عملکردشان اقدامات لازم را انجام دهند تا بتوانند مردم را همدل و همراه خود سازند و زودتر و راحت‌تر به اهداف طرح‌ها برسند. نظارت دقیق و مستمر نهادها و دستگاه‌های دولتی و افزایش ارتباط و تماس بین بهره‌برداران و نهادها و رسیدگی و توجه به وعده‌های داده شده به بهره‌برداران از طرف نهادها و اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع مسئولان به نهادهای دولتی در مورد کمبودها و کاستی‌های بهره‌برداران در اجرای طرح‌ها می‌تواند به بهبود اعتماد نهادی و در نتیجه افزایش مشارکت کمک کند. برنامه‌ریزی و تلاش برای رفع مشکلات از سوی دولت نگرش بدبینانه بهره‌برداران را به دولت اصلاح می‌کند. مثلاً در این منطقه می‌توان با احداث و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه صنایع لبنیاتی و صنایع دستی برای افزایش درآمد مردم و کاهش بیکاری بهره‌برداران و فرزندانشان اقدام کرد. تشکیل کلاس‌های ترویجی به‌طور مستقیم در منطقه برای آموزش و ترویج بهره‌برداران و توزیع اطلاعات بین مرتعداران از طریق نشریات به‌ویژه به زبان محلی با هدف جلب اعتماد افراد به همدیگر و به مسئولان دولتی که این امر علاوه بر ارتقاء سطح آگاهی‌های روستاییان باعث افزایش اعتماد عمومی (تعمیم یافته) در بین آنها می‌شود. در کنار افزایش آگاهی‌های بهره‌برداران، بالا بردن تخصص و مهارت در بین مسئولان و کارشناسان برنامه‌های اصلاحی و احیایی ضروریست، زیرا این امر به نوبه خود باعث رضایت‌مندی و خوش‌بینی بهره‌برداران از عملکرد مسئولان خواهد شد. به‌عبارت دیگر افرادی که به‌عنوان مسئول و کارشناس طرح‌ها برگزیده می‌شوند، باید دارای اطلاعات و مهارت لازم در مورد میزان مناسب بودن طرح‌ها باشند و به مشکلات احاطه کافی داشته باشند.

همه جانبه تمامی مرتعداران در منطقه مورد مطالعه؛ پیشنهاد می‌شود که تقویت اعتماد تعمیم‌یافته از طریق تقویت اعتماد به شورا و اعتماد به دهیاری‌ها در دستورکار قرار گیرد. در این تحقیق برای دسته‌بندی عوامل اثرگذار در مشارکت مرتعداران از روش تحلیل عاملی بهره گرفته شد. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، مهمترین عامل در مشارکت مرتعداران اعتماد تعمیم‌یافته می‌باشد. البته شاخص‌هایی از سطوح دیگر اعتماد هم دارای همبستگی قوی با عامل اول هستند. این شاخص‌ها شامل میزان رقابت مرتعدار در انجام برنامه‌های اصلاحی و احیایی (اعتماد بنیادین)، اعتماد به فامیل و خویشاوندان و اعتماد به دوستان (اعتماد بین شخصی) و شاخص اعتماد به رسانه‌های اجتماعی (اعتماد نهادی) می‌باشد. با توجه به شاخص‌های بارگذاری شده در عامل اول می‌توان پیشنهاد کرد که با انجام اقداماتی برای افزایش حس رقابت مرتعداران در اجرای برنامه‌ها، مشارکت را افزایش داد. مثلاً علاوه بر دادن دستمزد، وعده دادن و تعیین جوایز و هدایایی برای مرتعدارانی که بیشترین مشارکت را داشته‌اند، می‌تواند مؤثر باشد. از آنجا که شاخص اعتماد به دوستان دارای همبستگی بالایی با عامل اول است؛ به نظر می‌رسد که گروه‌بندی کردن مرتعداران بر اساس رابطه دوستی و صمیمیت‌شان و بدنبال آن تقسیم‌بندی برنامه‌ها و واگذاری هر بخش از برنامه‌ها به هر گروه، می‌تواند در جهت افزایش مشارکت و همکاری آنان هنگام اجرای برنامه‌ها اقدامی کارآمد باشد. بنابراین می‌توان با بهره‌گیری از این شاخص‌ها گام مؤثری در افزایش مشارکت مرتعداران برداشت. اعتماد در سطح نهادی یعنی اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و رسمی که متأسفانه از همبستگی کمتری با مشارکت برخوردار بوده و در چهارمین عامل مؤثر بر مشارکت قرار گرفته است. همبستگی کمتر اعتماد نهادی مرتعداران را می‌توان به شخصیت قدرت‌طلب افراد ارتباط داد؛ به‌طوری‌که به نظر می‌رسد افرادی که در فعالیت‌های مشارکتی درگیر می‌شوند خواستار سهم شدن بیشتر در قدرت تصمیم‌گیری هستند و بدین دلیل دیدگاه منتقدانه‌ای نسبت به عملکرد نهادها دارند

network analysis: a new approach in policy-making and planning collaborative management of natural resources. *Journal of Range and Watershed Management, Natural Resource's Journal*, 65 (4): 568-553.

سیاسگزاری

در پایان از تمامی مرتع‌داران چقاکدو که با کمال صداقت و یکرنگی ما را در تکمیل پرسشنامه یاری نمودند، قدردانی می‌کنیم.

منابع مورد استفاده

- Hahn, T., Olsson, P., Folke, C. and Johansson, K., 2006. Trust-building, knowledge generation and organizational innovations: the role of a bridging organization for adaptive comanagement of a wetland landscape around Kristianstad, Sweden. *Human Ecology*, 34(4), 573-592.
- Hubacek, K., Prell, C., Reed, M., Boys, D., Bonn, A. and Dean, C., 2006. Using stakeholder and social network analysis to support participatory processes. *The international Journal of Biodiversity science and management*, 2(3), 249-252.
- Ingelhart, R., 2004. Cultural change in advanced industrial society. Translated by Maryam Watr, Tehran, Kavir, 564p.
- Khoshfar, Gh. R., 2008. The effect of social capital on political participation, Case study: Golestan Province. Thesis, sociology, Allameh Tabatabaei University, Faculty of Social Sciences, Iran, 300p.
- Krejcie, R. V. and Morgan, D. W., 1970. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30: 607- 610.
- Levien, M., 2015. Social capital as obstacle to development: brokering land, norms, and trust in rural India. *World Development*, 74, 77-92.
- Lynam, T. J. and Stafford Smith, M., 2004. Monitoring in a complex world—seeking slow variables, a scaled focus, and speedier learning. *African Journal of Range and Forage Science*, 21(2): 69-78.
- Navabakhsh, M., Rezaei, M. and Rahimi, M., 2014. The Relationship between the trust of citizens with their social participation (Case Study: Ilam, sociological studies of urban, 4 (10): 1-27.
- Olsson, P., Folke, C. and Berkes, F., 2004. Adaptive comanagement for building resilience in social-ecological systems. *Environmental management*, 34(1): 75-90.
- Prell, C., Hubacek, K., Quinn, C. and Reed, M., 2008. 'Who's in the network?' When stakeholders influence data analysis. *Systemic Practice and Action Research*, 21(6): 443-458.
- Putnam, R. D., 1995. Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of democracy*, 6(1), 65-78.
- Rijke, J., Brown, R., Zevenbergen, C., Ashley, R., Farrelly, M., Morison, P. and Van Herk, S., 2012. Fit-for-purpose governance: A framework to make adaptive governance operational. *Environmental Science and Policy*, 22: 73-84.
- Ali pour, C., Zahedi, M. G. and Shiani, M., 2009. Trust and Partnership (study of the relationship of trust and partnership in Tehran). *Iranian Journal of Sociology*, 10 (2): 135-109.
- Alvani, S. M., 2001. Government and public trust management. *Knowledge management, Especially a Public Administration*, 55 (3): 27-5.
- Azkia, M. and Ghaffari, Gh., 2001. The relationship between trust and social participation in rural areas of Kashan. *Letter Social Sciences*, 17 (2): 31-3.
- Badri Pour, H., 2012. The centrality of the human need for comprehensive watershed management plan or master plan for natural resources in the watershed. *The Eighth National Conference on Watershed Management Science and Engineering*, University of Lorestan, 12-23.
- Bodin, O., Crona, B. and Ernstson, H., 2006. Social networks in natural resource management: what is there to learn from a structural perspective. *Ecology and Society*, 11(2), r2, 8p.
- Carlsson, L. and Berkes, F., 2005. Co-management: concepts and methodological implications. *Journal of Environmental Management*, 75(1), 65-76.
- Cochran, W. G., 1977. Sampling techniques. 3rd Edition. Whley and Sons, USA, 428p.
- Department of Natural Resources of Kermanshah province., 2011. Choghakadoo range management plan. Ranch unit, Department of Natural Resources city Zahab, 50p.
- Farzane, S. and Ramezani, A., 2012. Relationship between Social Capital and Urban Development Case Study: Vice City. *Journal of Sociology Youth Studies*, 3 (6): 132-109.
- Folke, C., Hahn, T., Olsson, P. and Norberg, J., 2005. Adaptive governance of social-ecological systems. *Annu. Rev. Environ. Resour.*, 30, 441-473.
- Ghorbani, M., Salari, F., Saeedi graghany, H. R. and Senaee, A., 2015. Analysis of bonds of trust and community participation in the network of farmers in participatory rangeland management (Case study: Grgv- area Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad. *Journal of Pasture*, 9 (2): 194-181.
- Ghorbani, M., Azarnivand, H., Mehrabi, A. A., Bastani, S., Jafari, M. and Nayeby, H., 2012. Social

- and society: from knowledge to decisions. Cambridge University Press, 631p.
- Zanini, M. T. F. and Migueles, C. P., 2013. Trust as an element of informal coordination and its relationship with organizational performance. *Economia*, 14(2): 77-87.
- Zetomka, P., 2012. Trust: a sociological theory. Translated by Gholam reza Ghaffari, Tehran, The publishing Sheeraze, 376p.
- Sarukhi, B., 2006. Methodology of research in social sciences. Trends and Techniques, Publications of Institute for Humanities and Cultural Studies Research Center, 520p.
- Sabatini, F., 2009. Social capital as social networks: A new framework for measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences. *The Journal of Socio-Economics*, 38(3): 429-442.
- Scholz, R. W., 2011. Environmental literacy in science

Analysis of the relationship between different levels of trust with the participation of rangeland beneficiaries in rangeland improvement and reclamation (Case study: Choghakadoo, Kermanshah Province)

R. Ahmadi^{1*}, Gh. Heidary² and Gh. R. Khoshfar³

1*-Corresponding author, Former M.Sc. Student in Rangeland Management, Department of Range and Watershed Management, University of Natural Resources and Agriculture of Sari, Iran, Email: Ronakahmadi1990@yahoo.com

2- Associate Professor, Department of Range and Watershed Management, University of Natural Resources and Agriculture of Sari, Iran

3- Assistant Professor, Faculty of Humanities, University of Golestan, Gorgan, Iran

Received:6/23/2016

Accepted:4/16/2017

Abstract

In this study, the relationship between different levels of trust including basic trust, interpersonal trust, institutional trust, and generalized trust with the participation of rangeland beneficiaries in rangeland rehabilitation and reclamation projects was investigated. The survey instrument was a questionnaire. The statistical population included all rangeland beneficiaries (78 people) in Choghakadoo, Sarpolzohab. The sample size was determined to be 67 people using Cochran's formula. Stratified random sampling was used to select the samples and SPSS20 software was used to analyze the data. The results of this study showed that there was a positive and significant correlation between different levels of trust with the participation rate of rangeland beneficiaries in rangeland improvement and reclamation and the correlation between the generalized trust and the participation of rangeland beneficiaries was stronger. Furthermore, in this study, 34 indices of different levels of trust were reduced to 12 factors by the factor analysis method, totally explaining 36/71% of variation in dependent variable (participation in rangeland improvement and reclamation). Generalized trust could be named as the first and most influential factor in this method. Therefore, considering the effect of different levels of trust in the participation of rangeland beneficiaries, it can be stated that the increased generalized trust, which is one of the dimensions of outgroup social capital, will result in increased efficiency of the participation of rangeland beneficiaries in range improvement and reclamation as compared with other levels of trust.

Keywords: Interpersonal trust, fundamental trust, generalized trust, institutional trust.